

# جهان‌شهر

شنبه ۸ دی ۱۴۰۳

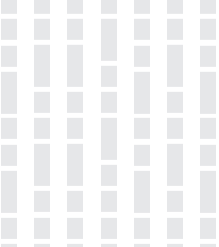
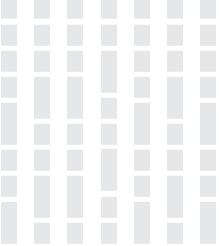
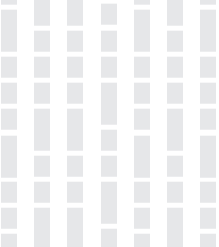
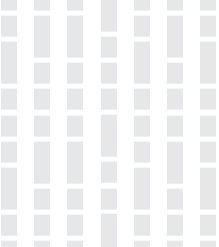
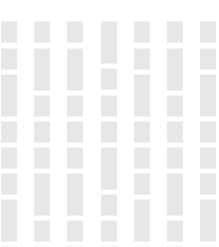
شماره ۴۳۱۵

فراهیختگان

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فراهیختگان

FARHIKHTEGANONLINE



اعتراض‌ها به رادیکالیسم در سوریه آغاز شده است

# پایان ماه عسل جولانی؟



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

اگر حکومت ۵۳ ساله خاندان اسد، حزب تاریخی بعث و ارتش عربی سوریه فروپاشیدند، حضور و فعالیت بی‌دردسر تحریرالشام در رأس قدرت این کشور محال است. این گروه زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد به مشکل برخورد و شاهد شکل‌گیری کانون‌های مقاومت مردمی علیه خود است. از ادلب و که‌قاعده طرفداران تحریرالشام است، تا بی‌طرف‌ها و همچنین طوایف و مذاهب مختلف علیه این گروه دست به اعتراضات مردمی زده‌اند. به‌کارگیری خشونت اما به سرعت این اعتراضات را به سمت مسلحانه‌شدن پیش برده است.

در جریان کمین گروه‌های مخالف تاکنون ده‌ها عنصر تحریرالشام کشته شده‌اند. هم‌زمان با التهابات داخلی، بی‌احترامی تحریرالشام و حملاتش به اماکن و نمادهای مقدس مذهبی شیعیان، علویان و مسیحیان آنان را که بیشتر از یک‌سوم جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند، در برابر این گروه به فعالیت واداشته است.

اگر کردها به مخالفان افزوده ش‌سوند، نیمی از سوریه به لحاظ مذهبی در تعارض با دیدگاه‌ها و تحکرات تحریرالشام هستند. اگر بار دیگر اهل سنت سکولار و دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سنی به جمعیت مخالفان اضافه شوند، با توجه به آنکه این مذهب نیمی از جمعیت سوریه را تشکیل داده و به شدت هم تحت تأثیر سکولاریسم است، مخالفان تحریرالشام دارای اکثریتی قابل توجهی خواهند شد.

### مشکلات تحریرالشام

تحریرالشام قدرت را به سرعت و بنابر دلایل متفاوتی در سوریه به دست گرفت. اگر این گروه، قدرت را با توانمندی‌های خود و متحدانش در اختیار می‌گرفت، احتمالاً ظرفیت مدیریت مشکلات را داشت. با این حال قدرت در سوریه به نحوه متفاوتی در اختیار تحریرالشام قرار گرفت که چندان با توانایی‌های این گروه مرتبط نبودند.

به نظر می‌رسد علاوه‌بر فقدان ظرفیت اداره قدرت در گروه تحریرالشام، این گروه با مشکلات عمیق بیشتری مواجه است. در این بخش تلاش شده برخی از این مشکلات کشف و مورد بررسی قرار گیرند.

**۱-** گروه تحریرالشام در ساختار خود بدنه‌ای قوی از نیروهای سوری دارد، اما از تعداد زیادی نیروی خارجی نیز بهره می‌برد. بخش بزرگی از تروریست‌های عضو این گروه از کشورهای عربی منطقه و بخش بزرگی دیگر از تروریست‌های آسیای میانه هستند.

تعداد جنگجویان تحریرالشام ۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود، هرچند تعداد کل جنگجویان در ادلب تا ۸۰ هزار نفر اعلام‌شده‌بود. احتمالاً بسا توجه به تکثر گروه‌ها، با وجود آنکه برخی پذیرفته‌اند رسماً جزئی از تحریرالشام باشند، دیگران تصمیم گرفته‌اند به عنوان متحد با آن همکاری کنند. استفاده از نیروهای خارجی و اتکا به آن‌ها برای سرکوب مردم سوریه، جوابگو نخواهد بود. استفاده از نیرویی خارجی در کشوری دیگر، برای نبرد با بومی‌های آن مؤثر نیست.

بر همین اساس تحریرالشام علاوه‌بر آنکه به طور خاص بر سر قدرت با نیروهای متحد نظام پیشین در داخل سوریه درگیر است، به شکل عمومی در نظر مردم اشتغالگر در نظر گرفته شده‌ و نوعی رویارویی با این سطح عمومی را نیز تجربه خواهد کرد.

**۲-** تسلط طولانی مدت امپراتوری عثمانی بر جهان عرب، خشم متراکمی در این جهان ایجاد کرده است. عرب‌ها که در اسلام و امپراتوری پس از آن خود را صاحب می‌دانستند، ۵۰۰ سال به طور کامل تحت حکومت یک امپراتوری ترک‌تبار قرار گرفتند. شکل‌گیری پان‌عربیسم، بیشتر از هر موضوع دیگری، واکنش به حکومت عثمانی‌ها بود.

قطعاً حرکت تحریرالشام به سمت قرار دادن سوریه تحت نفوذ ترکیه، کتباتی را در پی خواهد داشت. مردم سوریه در برابر سلطه‌طلبی دیگر کشورهای افرام‌الکوی پیشینی و خاص ندارند، بلکه صرفاً از الگوی عمومی ضدیت با سلطه استفاده می‌کنند، اما این موضوع در برابر ترکیه و سیاست‌های عثمانی گرواانه آن متفاوت است.

**۳-** حزب التحریر در سوریه دارای تعارضات همه جانبه‌ای با ساکنان این کشور است. آن‌ها به لحاظ مذهبی با شیعیان دوازده امامی و علویان که شاخه‌ای از شیعه شناخته می‌شوند، تفاوت دارند. فارغ از دین و مذهب و از نظر اپنولوژیک، تحریرالشام با دیدگاه‌های اسلامی رادیکال با جبهه وسیع، تاریخی و قدرتمند سکولارهای سوری نیز متفاوت است. سکولارها در میان علوی‌ها، مسیحیان، کردها و به ویژه اهل سنت حضوری قدرتمند دارند و حتی می‌توان گفت بخش بزرگی از این مذاهب و اقوام را در اختیار خود گرفته‌اند.

تحریرالشام با تغییر لباس، شعارها و تزئیق اخوانی‌ها به دولت تلاش کرده به‌نوعی خود را به سمت سکولاریسم متمایل کند، اما مرجع سکولاریسم در سوریه این گروه نیست.

آشکار است اگر قرار بر اداره کشور بر اساس سکولاریسم باشد، گروه‌هایی که در این زمینه اصالت دارند، بر تحریرالشام ارجحیت یافته و غالب خواهند شد. اگر هم تحریرالشام به همان رادیکالیسم دینی ادامه دهد، با این سکولارها رویارو خواهد شد.

**۴-** حزب بعث و در جنبه‌ای وسیع‌تر، دولت و حامیان اسد که در سوریه مستقر بودند، زمام امور را برای چندین دهه در دست داشته‌اند. از این رو اداره کشور بدون آن‌ها بسیار مشکل است؛ هر نیروی توانمند و با تجربه‌ای ناگزیر با سیستم پیشین کار کرده است. با پیش‌بینی این مشکل بود که ترکیه و غرب برای تروریست‌ها در ادلب یک حکومت محلی به راه انداختند تا این‌ها بتوانند دولتاری را تجربه کنند.

راه دیگری که آن‌ها پیگیری کردند، تلاش برای خریداری مقام‌های نظام اسد حتی پیش از سقوط بود. تروریست‌ها و حامیانشان امیدوار بودند برخی از این عناصر را برای اداره دولت خود جذب کنند.

سهم خواهی فزاینده تروریست‌ها، بی‌ثباتی هراس‌آور و ترس دولتمردان اصلی نظام مسابق اما مانع از اجرای مؤثر این نقشه خواهد شد. بدون دولتمردان نظام سابق، اداره مناسب سوریه خارج از توان تحریرالشام و حامیانش خواهد بود.

**۵-** نظام پیشین سوریه به دلیل سیاست خود برای ایستادگی در مقابل رژیم‌صهیونیستی تحت فشار نیروهای مختلف خارجی قرار گرفت. نهایتاً این فشارها باعث فروپاشی نظام مستقر شد. این مسئله حکایت از قدرت اندک دولت‌ها در سوریه برای مواجهه با فشارهای خارجی دارد؛ چه اینکه بسیاری دیگر از دولت‌ها نیز اینگونه‌اند. اساساً یکی از اهداف نقشه‌بندی کشورها و تقسیم جهان اسلام، شکل‌گیری واحدهایی با ظرفیت کم بوده است.



همان‌گونه‌که نظام پیشین سوریه با وجود ظرفیت بالای بسیج‌کنندگی اش به دلیل ضدیت با رژیم‌صهیونیستی و بر اثر فشارهای خارجی دچار فروپاشی شد، تروریست‌هایی که امروزه در سوریه بر سرکار آمده‌اند نیز با فشارهای خارجی مؤثری مواجهند.

فراز از تعارفات سیاسی و روابط تاکتیکی، حضور تحریرالشام در دمشق تهدید بزرگی علیه ایران، روسیه و چین تلقی می‌شود. پس از این قدرت‌ها در وهله دوم، بسیاری از حکومت‌های محافظه‌کار عرب شاید تحت فشار

آمریکا با تحریرالشام همراهی نشان دهند، اما زیرچشمی مراقب تحکرات آن‌ها بوده و درصدد آلت‌رنا‌یوسازی برای آن‌ها هستند. تحریرالشام که ظرفیت کمتری نسبت به نظام سابق دارد، در کشوری فاقد ظرفیت مؤثر برای مقاومت داخلی به حکومت رسیده و کار مشکلی برای حفظ قدرت پیش رودارد.

**۶-** آمریکا و رژیم‌صهیونیستی که گروه القاعده را تغییر جهت داده و از یک ساختار ضدغربی به ساختاری ضدشیعی استحاله کردند، می‌دانند فعالیت این گروه‌ها در اطراف سرزمین‌های اشغالی تا چه میزان مخاطره‌آمیز است.

همان‌گونه‌که انتقال القاعده از محیط جغرافیایی افغانستان، شمال شبه‌قاره‌هند و آسیای مرکزی، نبرد آن با ابرقدرت‌های غیرمسلمان (ابتدا شوروی و سپس غرب به‌رهبری آمریکا) را به سمت درگیری‌های درون اسلام تغییر جهت داد، یک تغییر جغرافیایی دیگر هم می‌تواند به تغییر جهت مجددی در این گروه، شعبات و مشتقاتش منجر شود.

حضور تحریرالشام به‌عنوان یکی از مشتقات استقلال‌گرفته القاعده در اطراف سرزمین‌های اشغالی، می‌تواند منجر به تغییر جهت هدف‌گیری این گروه به سمت رژیم‌صهیونیستی شود. القاعده و مشتقاتش قدرت‌های بزرگی را هدف گرفته و به راحتی نیز هدف خود را تغییر می‌دهند و از این رو چنین سناریویی برای تحریرالشام محتمل است.

**۷-** نابسامانی اقتصادی در سوریه نه‌تنها بهبود نیافته، بلکه در دوره انتقالی و بی‌ثباتی‌های بروز کرده و رو به گسترش است. هیچ‌کدام از متحدان تروریست‌ها، توانایی مالی برای بهبود اوضاع سوریه را ندارند. آن‌ها برای باقی ماندن سوریه در دست‌ان خود، روی همان قوای نظامی تروریست‌ها حساب باز کرده‌اند؛ نه اصلاح امور.

نفت سوریه همچنان در دست‌ان آمریکاست و به نظر نمی‌رسد این کشور از میلیاردها دلار درآمد ناشی از این میدان بگذرد. از سوی دیگر کشورهای عربی خواهان تقویت دولتی که می‌تواند بر ضدشان عمل کند، نیستند.

**۸-** تحولات کنونی بر ضد مقاومت بود اما یک اتفاق جنبه‌های مختلف و متفاوتی دارد. این تنها ترکیه، آمریکا و رژیم‌صهیونیستی نیستند که در سوریه آزادی عمل یافته‌اند. اگر بی‌پرده‌تر موضوع مورد بررسی قرار گیرد، محور مقاومت هم از آزادی عمل بیشتری برخوردار شده است.

دولت سوریه پیش از بحران سال ۲۰۱۱، به حمایت از مقاومت می‌پرداخت و علاوه بر ایران، مقاومت لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی تأسیساتی در این کشور برای فعالیت در منطقه شام داشتند، اما این به معنای رضایت این دولت به سوری‌شدن مقاومت نبود.

سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در همراهی با سردار همدانی مستشار ارشد ایرانی در سوریه، نیروهای بسیج مردمی یا «قوات دفاع وطنی» را برای سوریه ایجاد کردند اما با مخالفت ارتش، این گروه از ۱۲۰ هزار نفر به ۱۱ و ۱۴ هزار نفر کاهش یافته و بدون تسلیحات کارآمد در ارتش ادغام شد. نظام سوریه حتی یک ساختار کلی مقاومتی تحت هدایت خود را نیز نپذیرفت. این درحالی بود که پیش‌بینی می‌شد در خلال اتفاقات سوریه، یک گروه «مقاومت سوریه» مشابه با مقاومت لبنان شکل گیرد. نه تنها مقاومت سوریه ایجاد نشد بلکه قوای دفاع وطنی نیز مضمحل شد. در سایه آزادی عمل ایجاد‌شده در سوریه و فشار به افشار مقاومتی در این کشور، فضا مهیای ظهور «مقاومت سوریه» است.

**۹-** شیعیان، علویان، مسیحیان شرق و کردها هرکدام طیفی قدرتمند در داخل سوریه و منطقه بوده و دارای ارتباطات جهانی هستند که برخورد با آن‌ها را مشکل‌آفرین می‌کند. شیعیان سوریه در عراق، لبنان و ایران و حتی یمن دارای حامیانی هستند. علویان که شاخه‌ای از شیعیان تلقی می‌شوند، در محیط شامات، آناتولی و بالکان ریشه دوانده‌اند. علویان ضمن حمایت شیعیان منطقه، حمایت علویان ترکیه را نیز در اختیار دارند.

مسیحیان کهه ریشه مسیحیت غرب‌انند، همچنان حامیان قدرتمندی در این تمدن دارند. در جریان بحران سوریه از ۲۰۱۱، مسیحیان مورد حمایت دولت‌های غربی قرار نگرفتند، اس‌ا



درحسال ارتباطاتی که در غرب داشتند، فاقد اثر هم نبود. کردها نیز ضمن حضور در منطقه و جهان غرب، یک حامی برجسته به‌عنوان ایران دارند؛ کردها یکی از اصیل‌ترین اقوام ایرانی به شمار می‌آیند؛ هرچند تهران بر سر جدایی طلبی و ناسیونالیسم جزئی کردها، مشکلاتی در ارتباط با بخششی از آنان دارد. اما آن‌ها را امتداد تمدنی خود تلقی کرده و هیچ‌گاه راضی به سرکوب آن‌ها به شکل قومی و جمعیتی نیست. کردها همچنین حمایت‌هایی از سمت روسیه، غرب و حتی رژیم‌صهیونیستی دارند.

**۱۰-** نظام سیاسی سوریه در حال تبدیل شدن به «تشکیلات خودگردان سوری» است. دولت جولانی همانند تشکیلات خودگردان فلسطینی به رهبری «محمود عباس» عمل می‌کند؛ بدون واکنش در برابر اقدامات رژیم‌صهیونیستی، کمک به تأمین امنیت تل‌آویو و فاقد سلاح‌های راهبردی. جولانی در حال تبدیل خود از یک گروه شبه‌نظامی به یک دولت سیاسی وقانون‌مند با الزامات مدنظر غرب برای حفاظت از رژیم‌صهیونیستی است. در این صورت احتمال دارد جدایی میان شاخه نظامی و شاخه جدید سیاسی، همان‌گونه‌که برای جریان فتح و سواف صورت گرفت، ایجاد شود. کنار گذاشتن مبارزه از سوی گروه فتح به عنوان صاحب و مالک تشکیلات خودگردان، با از یک سوباعث ظهور گروه‌های مبارز مانند جهاد اسلامی و حماس شد و از سوی دیگر منجر به شکاف و جدا شدن تعدادی از شاخه‌های نظامی فتح از جناح سازش‌کار گردید.

**۱۱-** القاعده از همان ابتدا در میان مجاهدان عرب که برای جهاد علیه شوری به افغانستان می‌رفتند، شکل گرفت. هرچند این گروه دینی شناخته می‌شدد، اما عمیقاً عربی بود. مشخص نیست چگونه یک گروه عربی، آن هم در یکی از مهد‌های اصلی جهان عرب می‌تواند به عنوان نیابتی ترکیه عمل کند. تحریرالشام با جذب مبارزان آسیای میانه‌ای، عنصر عربی در القاعده را رقیق کرده و از خود این گروه هم استقلال گرفته است، اما قادر به انکار ریشه‌ها و جدا شدن از روه‌های کلی نیست. با وجود جذب مبارزان آسیای میانه‌ای که ترک‌تبار هستند، فعالیت تحریرالشام در محیط عربی آن را با تعارض مواجه می‌سازد. اگر القاعده در محیط غرب‌عربی افغانستان با وجود جذب گسترده از پاکستان و آسیای میانه عربی ماند، تحریرالشام که در محیط عربی فعالیت می‌کند هم قادر به جدا شدن از ریشه‌های عربی خود نیست. در این صورت، فعالیت تحریرالشام به عنوان نیابتی ترکیه دچار مشکل خواهد شد. القاعده مظهر ناسیونالیسم عربی در بستر دینی بود و این مسئله برای مشتقات آن هم جریان دارد؛ چه اینکه شعار اصلی تحریرالشام که پس از در دست گرفتن قدرت هم بارها آن را تکرار کرده‌اند، ادعای نجات سوریه از دست ایران بوده است. استمرار و پررنگ کردن این ش‌شعار حکایت از چرخیدن در تحریرالشام بر همان داشته «ناسیونالیسم عربی بر بستر دینی» است که قاعده فعالیت القاعده بود.

**۱۲-** هر نظام سیاسی باید یک موضوع اساسی را برای بسیج نیروها به دور خود مطرح کند. نظام سابق سوریه با محوریت حزب بعث عربی، حفاظت از تمامیت ارضی سوریه را مدنظر داشت. موضوعی که وجهه ملی‌گرایانه سودمندی در اختیار خاندان اسد قرار می‌داد. این مسئله باعث شده بود دولت سوریه برای عدم پیشروی بیشتر رژیم‌صهیونیستی در خاک این کشور، درصدد گرفتار کردن تل‌آویو در لبنان و فلسطین اشغالی برآید. از این رو در سیاست خارجی نیز نیروهایی را به سمت خود جلب کرده بود که آن هم در ضدیت با رژیم‌صهیونیستی قرار داشتند؛ حتی توجه شوروی به سوریه برای مقابله با پیشروی غرب با توسعه رژیم‌صهیونیستی بود. باید دید مسئله اصلی تحریرالشام چیست و این گروه چگونه خواهد توانست نیروهایی را دور خود گردهم آورد. اگر هدف مبارزه با نظام اسد بود، این موضوع پایان یافته است. اگر قرار بر بازسازی و اصلاح اقتصاد باشد، این اقدام کار یک گروه شبه‌نظامی آن هم از نوع تروریستی اش نیست. اگر هدف یکپارچه کردن کشور است، تحریرالشام آن را در معرض اشغال و چندپارگی قرار داده است. حزب تحریرالشام واگرای در سوریه را تشدید و حتی سرزمین‌هایی که پیش از این به هم پیوسته بودند را نیز تکه‌تکه کرده است.

تحریرالشام تلاش کرده برای جبران این نقیصه و به منظور جلب نظر غرب، ضد اسد مسئله وارد آن شد. گرچه سیاست رژیم‌صهیونیستی توسعه ارضی است، اما گفته می‌شود تل‌آویو قصد دارد اقلیمی دروزی در جنوب سوریه ایجاد کرده و به تقویت کردها هم بپردازد. این مسئله مشخص می‌سازد که تل‌آویو سیاستی دو محوری دارد و علاوه بر توسعه‌طلبی ارضی، به دنبال بهره‌گرفتن از عوامل نیابتی هم است. تل‌آویو در حوزه نیابتی هم تحریرالشام را نگه‌داشته بلکه به زیان آن عمل می‌کند.

این طرف‌ها نیز می‌دانند کار چندان‌ی از تحریر برای مقابله مستقیم با ایران برنمی‌آید؛ آن‌ها تحریر را تنها برای تدبیر امور سوریه و جدا کردنش از محور مقاومت می‌خواهند نه ایفای نقش مستقیم در تضعیف ایران. از آنجا که ایران‌هراسی با وجود تنها مسیر بودن، ایده چندان سودمندی برای بسیج سیاست خارجی نیست، تحریرالشام درصدد جمع میان ضدیت با ایران با سیاست داخلی خود برآمده است؛ چه اینکه سودمند نبودن ضدیت با ایران در سیاست خارجی را ناتوانی اش از دسترسی مستقیم به ایران می‌داند و به جای آن می‌خواهد در محیطی که دسترسی دارد به منافع و حامیان تهران آسیب برسانند. در نتیجه این جمع، ضدیت با ایران از سیاست خارجی تحریرالشام به سیاست داخلی این گروه تبدیل شده است. با توجه به ناتوانی تحریرالشام از ایفای نقش ایجابی در جبهه غرب علیه ایران، این گروه درصدد ضدیت با ایران در سیاست داخلی خود با فشار بر شیعیان و علوی‌هاست. تحریرالشام بر اساس سیاست ضدیت با ایران در حوزه سیاست خارجی برای جلب نیروهای بین‌المللی به دور خود، به زعم خود می‌کوشد با حامیان ایران در سوریه درگیر شود. به زعم تحریرالشام، علاوه بر جریان یافتن ضدیت با ایران، مسئله پاکسازی نظام سابق هم می‌تواند به عنوان یک عامل بسیج‌کننده برای کمک به ایسن گروه عمل کند. این سیاست‌ها اما مشکلات خاص خود را دارد. ضدیت با ایران تنها در سیاست خارجی برای تحریرالشام سودمند است، اما از سوی دیگر روابط این گروه با ایران و متحدانش را در همان حوزه سیاست خارجی تخریب می‌کند. از سوی دیگر، تحریرالشام که فاقد ایده بسیج‌کننده داخلی است، در ضدیت با ایران به آزار جناح‌های داخلی سوریه دست زده و در جبهه داخلی نه تنها به ایده بسیج‌کننده دست نمی‌یابد، بلکه رقبای خود را به سمت بسیج هدایت می‌کند.

**۱۳-** القاعده ایده‌ای جهادی است و همواره فاقد ایده حکمرانی بوده است. نسلاندن یک گروه تروریستی بر قواره دولت، ماهیت تروریست‌ها را تغییر نمی‌دهد بلکه آن‌ها از جایگاه دولت به اقدامات تروریستی می‌پردازند؛ تبدیل گروه‌های تروریستی صهیونیستی به رژیم‌صهیونیستی یک نمونه از این روند است. همان‌گونه‌که رژیم‌صهیونیستی با وجود چندین دهه عمر و حمایت‌های همه‌جانبه موفق به تثبیت خود نشده‌است، تحریرالشام نیز موفق به آن نخواهد شد.

**۱۴-** تحریرالشام مقر اصلی خود را از ادلب به دمشق منتقل کرده است. در ادلب، این شهر در نزدیکی مرزها با ترکیه قرار داشت که دولت حامی تحریر به حساب می‌آمد. به عبارتی دیگر، نزدیکی ادلب به ترکیه به لحاظ افکار عمومی برای تحریرالشام جالش‌زا نبود. در شرایطی که تحریرالشام در دمشق مستقر شده و این شهر مرکز حکومتی آن است، ارتش رژیم‌صهیونیستی به حومه این شهر نزدیک‌تر شده است. مردم دمشق از هر جناحی می‌دانند معنای تجاوز خارجی چیست. بی‌عملی تحریرالشام نسبت به پایتخت خود، موضوعی نیست که برای مردم سوریه و به ویژه دمشق قابل هضم باشد. در وضعیتی که تحریرالشام و شاینت آن از طریق نزدیک شدن رژیم‌صهیونیستی به مقر این گروه متک حیثیت شده است، نیروهای داخلی و خارجی به دنبال مقابله با آن بر خواهند آمد. به لحاظ داخلی، هر کسی که در سوریه احساس عرب بودن، سوری بودن و مسلمان بودن دارد، نسبت به رژیم‌صهیونیستی دارای حساسیت است. از سوی دیگر، به لحاظ سیامت خارجی، کشورهای مختلفی پیشروی رژیم‌صهیونیستی را بر ضد منافع خود ارزیابی می‌کنند. حتی قدرت‌های شرقی مانند روسیه و چین، پیشروی رژیم‌صهیونیستی را طبق دستورکارهای غرب تلقی کرده و سوریه را سرزمینی مهم برای مقابله با این دستورکارها می‌دانند.

**۱۵-** تحریرالشام با توجه به ساختار شبه‌نظامی خود و نابودی سلاح‌های راهبردی سوریه توسط رژیم‌صهیونیستی، فاقد ابزارهای نظامی است. آن‌ها در شکل شبه‌نظامی خود، تنها می‌توانند به لحاظ امنیتی در خاک سوریه فعالیت کنند.

این در حالی است که یکی از عوامل برتری دولت سوریه بر گروه‌های شکل‌گرفته در خاک این کشور، استفاده گسترده آن از ابزارهای نظامی بود. نظام پیشین سوریه نیز با وجود قابلیت‌های نظامی، بر اثر فشارهای فزاینده درهم شکست. مشخص نیست گروه تحریرالشام در فقدان تسلیحات سنگین، تعداد نفرات اندک و فعالیت به شکل شبه‌نظامی چگونه می‌خواهد بر نیروها و قوای موجود در سوریه فائق آید. اگر دولت اسد با جنگنده، موشک، راکت، توپخانه سنگین و زرهی توانست، تحریرالشام با کلاشینکف و وانت‌های تاکتیkal مشکلات بیشتری خواهد داشت. اساساً آنچه تحریرالشام را به پیروزی رساند، به طور کامل موفقیت‌های نظامی نبود. گرچه در حلب استفاده از ابزار آلات جنگ الکترونیک، کوادکوپرهای فرانسوی و پهپادهای انتحاری به همراه تجهیزاتی از اقدامات امنیتی مانند ترور فر فرماندهان کل پیروزی تروریست‌ها منتهی شد، اما در ادامه پیروزی‌های میدانی مؤثر نبودند، زیرا ارتش سوریه بنا به دلایل مختلف که صرفاً یکی از آن‌ها حمله تحریرالشام بود، فروپاشید. بسیاری از شهرهای سوریه، از جمله پایتخت، پیش از ورود تحریرالشام سقوط کرده بودند. اگر تحریرالشام در اداره سوریه از همان مشکلات نظام سابق رنج ببرد، با توان نظامی‌ای کمتر از دولت اسد کار بسیار دشواری برای مقابله با مخالفان خود خواهد داشت.

**۱۶-** تحریرالشام اگر بخواهد به طور مؤثری سوار بر قدرت شود، ناگزیر در جایگاه یک دولت، با ترکیه و رژیم‌صهیونیستی درگیر خواهد شد. اگر این دو طرف بخوانند تحریرالشام به مشکلی برای آن‌ها تبدیل نشود، باید آن‌را ضعیف نگه‌دارند و همین سیاست را هم اجرامی کنند. ضعیف نگه‌داشتن تحریرالشام تنها به نفع ترکیه و رژیم‌صهیونیستی نیست بلکه فرصت قابل توجهی برای مخالفان داخلی این گروه هم به‌شمار می‌رود؛ استفاده مخالفان از موقعیت ضعیف تحریرالشام همان نقطه‌ای است که باعث زیان این دو طرف می‌شود. آنکارا و تل‌آویو برای آنکه این سیاست متناقض به زیان‌شان تبدیل نشود، تصمیم گرفته‌اند حضورشان در خاک سوریه را پررنگ کنند. تقویت حضور ارتش ترکیه در شمال سوریه و بهره‌گیری بیشتر از گروه تروریستی موسوم به «ارتش ملی سوریه» –یکی دیگر از نیابتی‌های آنکاراست– نشان‌دهنده عظم جدید این کشور در راستای سیاست ضعیف نگه‌داشتن تحریرالشام است. تل‌آویو هم با وجود اینکه تهدید مستقیمی از سمت تحریرالشام در حال حاضر احساس نمی‌کند، تمام تسلیحات راهبردی سوریه را از بین برده و در حال پیشروی در جنوب این کشور است. رژیم‌صهیونیستی از به ارث رسیدن تسلیحات ارتش اسد به تحریرالشام جلوگیری کرد و به جای استفاده از این گروه برای تأمین امنیت خود در جنوب سوریه، خود مستقیماً وارد آن شد. گرچه سیاست رژیم‌صهیونیستی توسعه ارضی است، اما گفته می‌شود تل‌آویو قصد دارد اقلیمی دروزی در جنوب سوریه ایجاد کرده و به تقویت کردها هم بپردازد. این مسئله مشخص می‌سازد که تل‌آویو سیاستی دو محوری دارد و علاوه بر توسعه‌طلبی ارضی، به دنبال بهره‌گرفتن از عوامل نیابتی هم است. تل‌آویو در حوزه نیابتی هم تحریرالشام را نگه‌داشته بلکه به زیان آن عمل می‌کند.